

سابقه‌ی فرهنگستان در ایران

احمد سمیعی (گیلانی)

هر چند فرهنگستان، به مفهوم سازمان علمی و فرهنگی رسمی خاصی که از سده‌ی هفدهم در مغرب زمین پدید آمد، تا شصت سال پیش در کشور ما وجود نداشته است، انجمن‌های ادبی دوره‌ی قاجاریه را، به لحاظ تأثیری که در حفظ سلامت و آراستگی و تقویت بنیه‌ی زبان فارسی داشته‌اند می‌توان سلف چنین بنیادی در ایران معاصر دانست.

پیش از آن که فرهنگستان ایران در خرداد ۱۳۱۴ شمسی تأسیس شود، در ۱۳۰۳ شمسی از نمایندگان وزارتخانه‌های جنگ و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه انجمنی تشکیل شد تا با وضع لغات و اصطلاحات نو جواب‌گوی نیازی باشد که در رسته‌ها و شئون نظامی آن روز از این حیث احساس می‌شد. انجمن تا آخر سال ۱۳۰۳ مرتباً هفته‌ای یک بار تشکیل جلسه می‌داد و نخستین جلسه‌ی آن در آبان ماه آن سال منعقد شد.^۱ انجمن در مدت فعالیت خود حدود سیصد لغت و اصطلاح تازه وضع کرد که عموماً به هواپیمایی، مهندسی نظام، توپخانه، سازمان نظام، افزارها و ادوات جنگی و مانند آن تعلق داشت. نمونه‌هایی از واژه‌های مصوب این انجمن را بعداً دکتر صدیق‌اعلم در نامه‌ی فرهنگستان («توضیح در تاریخچه‌ی فرهنگستان»، سال اول، شماره‌ی ۴، آبان ۱۳۲۲) نقل کرده که از جمله‌ی آنهاست اصطلاحات شایع و مأنوس هواپیما، فرودگاه، خلبان، آتشبار، گردان، وابسته‌ی نظامی، هواسنج، بادسنج.

در سال ۱۳۱۱ نیز، که دکتر صدیق‌اعلم ریاست «دارالمعلمین عالی» را برعهده داشت، ظاهراً به پیروی از رسم دانشگاه‌های امریکایی، فعالیت‌های علمی فوق برنامه‌ی دانشجویان، به ابتکار ایشان، با تشکیل انجمن‌هایی تشویق و سازمان داده شد که از جمله‌ی آنها «انجمن وضع لغات و اصطلاحات علمی» بود. این انجمن در اسفند ماه ۱۳۱۱ فعالیت علمی خود را آغاز نهاد که، طی جلسات مرتب هفتگی در سال تحصیلی، تا مهرماه ۱۳۱۹ ادامه داشت. در شعبات متعدد آن (علوم طبیعی، علوم ریاضی، فیزیک و شیمی، ادبیات و

۱) در این انجمن یحیی دولت‌آبادی، غلامحسین رهنما و دکتر صدیق‌اعلم، به نمایندگی وزارت معارف، و سرتیپ غلامحسین مقتدر، سرلشکر جلایر (سردار مدحت)، سرلشکر غفاری (سردار مقتدر)، سرهنگ مهندس رضا شبیبانی، سرهنگ کریم معاون نظام، سرلشکر حاج محمد رزم‌آرا، سرهنگ علی‌کریم قوانلو و رشید یاسمی، به نمایندگی وزارت جنگ، عضویت داشتند.

فلسفه)، به راهنمایی استادان (حسین گل‌گلاب، دکتر محمود حسابی، دکتر رضازاده شفق)، پیشنهادها مطرح و مصوبات در جلسه‌ی انجمن به رأی گذاشته می‌شد. این انجمن پس از تأسیس فرهنگستان ایران (۱۳۱۴) نیز فعال بود و با آن همکاری مستمر داشت. حاصل کار «انجمن»، در مجموع از اقبال فرهنگیان و دانشگاهیان برخوردار شد و حدود ۴۰۰ لغت از موضوعات آن در کتاب‌های درسی دبیرستان و درس‌های دانشگاهی به کار رفت. نمونه‌هایی از حاصل کار «انجمن» در نامه‌ی فرهنگستان (همان جا) نقل شده است. برخی از پیشنهادها «انجمن»، به خصوص در رشته‌ی علوم طبیعی، هنوز رایج و متداول است.

اما فکر تأسیس سازمانی رسمی به نام «فرهنگستان» از آنجا پیدا شد که عده‌ای از بیداردلان اهل درد، که در زبان و ادب فارسی حق آب و گل داشتند، زبان پرسابقه‌ی مارا، که حامل فرهنگی پرمایه و درخشان است، در معرض خطر تجاوز کج‌اندیشی مستی ناهل دیدند که، به بهانه‌ی اصلاح و پرورش آن و از طریق وارد کردن عناصر مهجور و نامأنوس، در صدد وضع لغات و اصطلاحات و نشانیدن آنها به جای کلمات عربی‌الاصل برآمدند که حاصل تلاش آنها شم و ذوق سالم را آزار می‌داد. این «نوآوران» و «سره‌گرایان» جواز «حساب‌الامر جهان مطاع همایونی» را سپر دفاع از جهل و تعصب و کج‌ذوقی خود می‌ساختند و بر ساخته‌های ناساز و بی‌اندام خود را از مجاری «بخشنامه» های اداری تحمیل می‌کردند.

ابتدا در سال ۱۳۱۳ شمسی (نزدیک به پنج ماه پیش از تأسیس فرهنگستان ایران). وزارت معارف در صدد برآمد که انجمن‌هایی از کارشناسان و ارباب فن به پا کند و تشکیل «آکادمی طبّی» نخستین گام در این راه باشد. برای مطالعه در این امر، جلساتی با شرکت چند تن از پزشکان معروف و عده‌ای از معاریف اهل علم در مدرسه‌ی عالی طب منعقد و نام «فرهنگستان»، برابر «آکادمی»، در یکی از همین جلسات اختیار شد. اساسنامه‌ای نیز برای «فرهنگستان طبّی» نوشته شد. در آغاز قرار بر این نبود که این قبیل مؤسسات منحصرأ به وضع لغات و اصطلاحات جدید بپردازند بلکه ترجمه و تألیف کتب و تهیه‌ی فرهنگ‌ها و تشویق تحقیق علمی مطمح نظر بود. اما تندروی‌های مشهود باعث شد که توجه اصلی به جهت دیگری معطوف گردد. خطر به خصوص وقتی احساس شد که جریان به اصطلاح اصلاح و پیرایش زبان در صدد برآمد از قدرت سیاسی برای پیش‌برد مقاصد خود بهره‌گیرد. در حقیقت، سراب فریبنده‌ی بی‌نیازی از بیگانگان در عرصه‌ی زبان شاه مملکت را، که در مسافرت به ترکیه با اقدامات دولت همسایه در «تصفیه» ی زبان آشنا شده بود، بر سر شوق آورده بود. این امر به صدور فرمانی به وزارت جنگ منجر شد که با همکاری سایر

وزارتخانه‌ها برای لغاتِ نظامی بیگانه معادل انتخاب کند و در بابِ سایرِ اصطلاحات نیز به مطالعه پردازد. محمدعلی فروغی، رئیس‌الوزرای وقت، از این جریان سخت نگران شد. واکنش خردمندانه‌ی او این بود که تشکیل انجمنی از دانشمندان و اهل لغت و محققان را برای تدارکِ مقدماتِ تأسیس فرهنگستانِ ایران به شاه پیشنهاد کند. وجهی همّت او مهار کردنِ جریانِ ناسالمِ تحمیلِ لغاتِ نابهنجارِ تازه از ناحیه‌ی عناصرِ کم‌مایه و پرتعصب و بیرون کشیدنِ زمامِ کارِ لغت‌سازی از دستِ آنان بود که خوش‌بختانه تدبیر او در این راه مؤثر افتاد. باری وزارتِ معارف و اوقاف و صنایعِ مستظرفه، که مأمورِ اقدام شده بود، پس از مشاوره با اهل فن، اساسنامه‌ی فرهنگستان را در شانزده ماده تهیه کرد که به تصویب هیئت وزرا رسید و، سرانجام، در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ فرمانِ تشکیل فرهنگستانِ ایران صادر شد. در این اوان، فروغی رئیس‌الوزرا و علی‌اصغر حکمت وزیر معارف بود. تصویب‌نامه در ۵ خرداد به وزارتِ معارف ابلاغ و نخستین جلسه‌ی رسمی فرهنگستانِ ایران در روز شنبه ۱۲ خرداد، با حضور ۲۴ تن عضو پیوسته، در مدرسه‌ی عالی حقوق تشکیل شد.^۲ ریاست فرهنگستان ابتدا با فروغی و سپس با حسن وثوق بود و جلسه‌ی عمومی آن هر دوشنبه منعقد می‌گشت. فضای سیاسی آن زمان فرهنگستان را ناگزیر ساخت که بیشتر اوقات خود را صرفِ انتخابِ معادل برای اصطلاحات و لغاتِ خارجی کند. باید گفت که فرهنگستانِ اول بیشتر مهار کننده و بازدارنده بود تا سازنده. کمیسیون‌هایی نیز که برای تهیه‌ی فرهنگ و دستور زبان و مطالعه در اصطلاحاتِ جغرافیایی و نشرِ کتبِ قدیمه در آن تشکیل یافت دستاوردِ محصلی نداشت.

از جلسه‌ی چهاردهم (۱۰ شهریور ۱۳۱۴) به بعد، مدرسه‌ی عالی سپهسالار (دانشکده‌ی معقول و منقول) مقرّ فرهنگستانِ ایران شد و تا ۱۳۲۱، که ساختمانِ مخصوصی

۲) استادان و رجال نام‌وری در عرصه‌ی ادب و نویسندگی چون بهار، دهخدا، فروغی (محمدعلی)، فروغی (ابوالحسن)، سعید نفیسی، سید نصرالله تقوی، رضازاده شفق، بدیع‌الزمان فروزانفر، علی‌اصغر حکمت، عبدالعظیم خان قریب، گل‌گلاب، رشید یاسمی، رهنما، ادیب السلطنه سمیعی، صدیق اعلم، عصار، فاطمی از اعضای پیوسته‌ی فرهنگستانِ اول بودند. در سنواتِ بعد بر شماره‌ی اعضای پیوسته‌ی فرهنگستان افزوده شد، از جمله: ابوالقاسم غنی، ابوالقاسم پورداود، اقبال آشتیانی، محمد حجازی، قزوینی، تدین، مسعود کیهان، جلال همایی، رعدي آذرخشی، احمد بهمنیار، حسنعلی مستشار، سرهنگ مقتدر، مصطفی عدل، علی اکبر سیاسی، محمود حسابی.

همچنین اعضای وابسته‌ی فرهنگستان عبارت بودند از: جمال‌زاده، فخر ادهم، کریستن سن (دانمارک)، هانری ماسه (فرانسه)، ریپکا (چکسلواکی)، منصوربیک فهمی، علی‌بیک الجارم، محمد رفعت‌پاشا (مصر)، آرتر پوپ (امریکا)، محمد اقبال (پاکستان)، رتس و پولووسکی (روسیه)، نیکلسون (انگلستان)، هادی حسن و محمد حسنین هیکل (مصر).

در جنبِ دانشکده‌ی مذکور برای آن بنا شد، جلسات در همان جا تشکیل می‌یافت. فرهنگستان ایران، در بهمن ماه ۱۳۱۵، نظامنامه‌ای برای «بازبینی در اصطلاحات علمی» تصویب کرد و در آن راه و روش و ضوابط معادل‌یابی را مقرر داشت. از جمله، در ماده‌ی دهم این نظامنامه پیش‌بینی شده بود که «اگر در برابر هر اصطلاحی لفظ فارسی مأنوسی که متداول و مسلّم و معتبر و ریشه‌ی آن معلوم و اشتقاق آن درست باشد» پیدا شود، آن لفظ مرّجح شناخته شود و اگر پیدا نشود، «برای معانی نزدیک به ذهن الفاظ مأنوس یا مصطلح عربی یا الفاظ مرکب از عربی و فارسی» و «برای معانی دور از ذهن کلمات فارسی مهجوری به همان معنی یا به معنی نزدیک آن» اختیار گردد. سرانجام، «اگر بدین وسایل هم چیزی به دست نیامد، از ریشه‌ی فارسی مطابق قواعد قطعی و حتمی زبان فارسی اشتقاق تازه‌ای که موافق طبع مردم ایران باشد بسازند چنان که آن مفهوم از آن لفظ بیرون آید... و بالأخره اگر از این وسیله هم چیزی فراهم نشد همان اصطلاح خارجی را به شرط آن که... بین‌المللی بوده و به زبان خاصی منحصر نباشد اختیار کنند».

بدین‌سان، فرهنگستان اول طریقی سالم و معتدل، دور از تعصّب عربی زدایی و سره‌آفرینی و منطبق با طبیعت زبان انسانی و ناموس تحوّل و تطوّر آن، در پیش‌گرفت و از این‌رو در واژه‌گزینی نسبتاً موفق از کار درآمد. میزان قبول عامی که لغات و اصطلاحات مصوّب فرهنگستان اول پیدا کرد در نتایج مطالعه‌ی جالب یکی از محققان جوان^۳ منعکس شده است. اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، باید بگوییم که فرهنگستان اول، در پی‌گیری به موقع، از آفتی که به زبان فارسی روی آورده بود وظیفه‌ی خود را ادا کرد و چون اعضای برجسته‌ی آن، که ارکان آن سازمان بودند، اصولاً اعتقادی به واژه‌سازی نداشتند، در فضای فرهنگی نسبتاً سالمی که پدید آورده بودند نیازی به فعالیت پی‌گیر احساس نکردند و رفته‌رفته فرهنگستان از پویایی افتاد و دچار رکود شد. صدیق‌اعلم در خاطرات خود (یادگار عمر، ج ۲، ص ۲۵۴) می‌نویسد که شاه فرهنگستان را به این جهت که از فعالیت آن راضی نبود در هفتم اردیبهشت ۱۳۱۷ منحل ساخت و هفته‌ی بعد فرمان داد از نو تشکیل شود و وزیر معارف ریاست آن را برعهده گیرد.

نخستین جلسه‌ی عمومی فرهنگستان، پس از انحلال و تشکیل مجدد، روز چهارشنبه ۲۱

(۳) علی کافی، «بررسی واژه‌های فرهنگستان اول» در مجله‌ی نشر دانش (فروردین و اردیبهشت ۷۱)، ص ۳۳.

اردیبهشت ۱۳۱۷ به ریاست علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف، تشکیل شد. این بار عده‌ای دیگر از استادان بنام^۴ به عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان منصوب شدند و صدیق اعلم به نیابت ریاست برگزیده شد.

چند ماهی پس از تجدید سازمان فرهنگستان، در پی کناره‌گیری حکمت از وزارت معارف، اسماعیل مرآت به کفالت آن وزارت منصوب شد و اداره‌ی فرهنگستان را نیز برعهده گرفت. وی حدود سه سال رئیس فرهنگستان بود. فرهنگستان در این مدت موفق شد بسیاری از واژه‌های علمی مورد نیاز دانشگاه‌ها را از تصویب بگذراند و در پایان سال ۱۳۱۹ شمار واژه‌های نو مصوب فرهنگستان به حدود ۱۷۰۰ و در شهریور ۱۳۲۰ به حدود ۲۰۰۰ رسید. از میان ادبا و دانش‌مندان عده‌ی زیادی در این دوره همکار فرهنگستان شدند و از آنان کسانی به عضویت پیوسته‌ی آن انتخاب گشتند.^۵

پس از شهریور ۱۳۲۰، تا نیمه‌ی دی ماه همان سال جلسات فرهنگستان تعطیل نشد و به ریاست صدیق اعلم، که از مهرماه ۱۳۲۰ به وزارت فرهنگ منصوب شده بود، و گاهی نیز به ریاست دکتر امیراعلم، نایب رئیس فرهنگستان، تشکیل می‌شد.

چون تدین وزیر معارف شد (آذر ۱۳۲۰)، پیشنهاد کرد رئیسی برای فرهنگستان انتخاب شود و محمدعلی فروغی با ۱۱ رأی از ۱۸ رأی به ریاست آن سازمان برگزیده شد. پس از مرگ فروغی، باز انتخاب رئیس فرهنگستان در دستور قرار گرفت. با موافقت دکتر علی‌اکبر سیاسی، وزیر فرهنگ وقت، ماده‌ی سوم اساسنامه تغییر یافت و در جلسه‌ی دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۲۱ ادیب‌السلطنه سمیعی با ۲۲ رأی از ۲۳ رأی به ریاست فرهنگستان برگزیده شد که تا ۱۳۳۲ این سمت را حفظ کرد.

در این دوره‌ی جدید، کار «زبان‌پیرایی» و «واژه‌سازی» متوقف شد و فعالیت فرهنگستان بیشتر جنبه‌ی ادبی و تحقیقی یافت. نامه‌ی فرهنگستان در همین دوره (آغاز سال ۱۳۲۲) تأسیس شد. از این نامه در سال اول، چهارشماره؛ در سال دوم (۱۳۲۳)، دو شماره؛ در سال سوم، دو شماره به مدیریت رشید یاسمی و سردبیری حبیب یغمایی؛ در سال چهارم، یک شماره به اهتمام و سردبیری حبیب یغمایی؛ و در سال پنجم (۱۳۲۶)، یک شماره منتشر شد.

نامه‌ی فرهنگستان حاوی چند خطابه و مقاله‌ی معتبر است که به آن ارزش علمی ممتاز بخشیده است. از جمله باید از خطابه‌ی محققانه‌ی شادروان احمد بهمنیار درباره‌ی املا

(۴) از جمله استادان علی‌اکبر سیاسی، محمود حسابی، ابراهیم پور داود.

(۵) از جمله‌ی این اعضای جدید از استاد احمد بهمنیار، جلال همایی، محمد حجازی (مطبع الدوله) باید نام برد.

فارسی یاد کرد که در شماره‌ی ۴ از سال اول نامه‌ی فرهنگستان مورخ آبان ۱۳۲۲ منتشر شده است. خطابه‌ی پروفیسور ماسینیون در روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۴ در تالار فرهنگستان راجع به نفوذ اندیشه‌ی ایرانی در کلام عرب نیز در شماره‌ی اول سال سوم (خرداد ۱۳۲۴) نامه‌ی فرهنگستان منتشر شد. از مندرجات مهم نامه‌ی فرهنگستان شرح احوال و آثار علامه قزوینی به قلم خود اوست که به مناسبت درگذشت او، همراه با سخن‌رانی‌هایی به همین مناسبت و اشعاری که در رثای او سروده شده بود، مجدداً به چاپ رسید.

هم چنین باید از سخن‌رانی‌های مهم عده‌ای از اعضای برجسته‌ی فرهنگستان یاد کرد که در فرهنگستان یا انجمن‌های فرهنگی ایراد شد و متن آنها در نامه‌ی فرهنگستان انتشار یافت، از جمله سخن‌رانی ملک‌الشعراى بهار در روز سه‌شنبه ۱۵ اسفند در انجمن روابط فرهنگی ایران و هند (شماره‌ی اول، سال سوم، خرداد و شهریور ۱۳۲۴)؛ سخن‌رانی گل‌گلاب در انجمن فرهنگی ایران و شوروی درباره‌ی فرهنگستان علوم شوروی (شماره‌ی ۳، سال سوم، شهریور ۱۳۲۴)؛ سخن‌رانی سعید نفیسی در فرهنگستان درباره‌ی فرهنگستان اتحاد شوروی (شماره‌ی ۲، سال سوم، شهریور ۱۳۲۴)؛ سخن‌رانی پروفیسور ماسینیون در فرهنگستان، زیر عنوان نقش نبوغ ایرانی در تقریر و مبانی افکار و تشکیل لغات فنی عربی مربوط به تمدن اسلامی (شماره‌ی ۱، سال ۵، فروردین ۱۳۲۶).

در سال ۱۳۲۴، فرهنگستان ایران پنج تن از اعضای پیوسته و وابسته‌ی برجسته‌ی خود به این شرح را از دست داد: سید محمد فاطمی، سید ولی‌الله نصر، حسنعلی مستشار، پروفیسور رینولد نیکلسن، و استاد آرتور کریستن‌سن، و شماره‌ی اول سال چهارم (اردیبهشت ۱۳۲۵) نامه‌ی فرهنگستان به خطابه‌های مجلس یاد بود این اعضا اختصاص یافت. خطابه‌ی استاد بهمینار در مجلس تذکر حسنعلی مستشار از جمله‌ی این خطابه‌هاست که در آن نکات جالبی درباره‌ی صفات اخلاقی و مراتب فضل آن مرحوم درج شده است.

انجمن ادبی فرهنگستان، به ریاست ملک‌الشعراى بهار، روز سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۲۵ تأسیس و کمیسیون‌های زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، قواعد و دستور زبان، تئاتر و موسیقی و ترانه‌ها و جز آن در جنب آن دایر شد. در حقیقت، نامه‌ی فرهنگستان سیر اصلی خود را تحقیق در زبان و ادب فارسی اختیار و از مسیر پیشین، که بیشتر متوجه واژه‌سازی بود، عدول کرد و می‌توان گفت مشکل توقعات تازه‌ای را که زبان فارسی با آن روبه‌رو گشته بود دور زد.

در پنجم مرداد ۱۳۴۷، فرمان تأسیس «بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌های ایران» صادر شد و

در نهم آبان ۱۳۴۹ وزیر فرهنگ و هنر یازده تن از اعضای پیوسته‌ی فرهنگستان زبان ایران را به محمدرضا شاه معرفی کرد.^۶ نخستین شورای این فرهنگستان در ۲۳ آبان ۱۳۴۹ در وزارت فرهنگ و هنر تشکیل شد.

مقاصد اساسی این فرهنگستان به شرح زیر تعیین شد:

– نگاه‌داری زبان فارسی در پایگاه والای دیرین فرهنگی و آماده نگه داشتن آن برای برآوردن نیازمندی‌های گوناگون علمی و فرهنگی کشور؛

– پژوهش و بررسی در همه‌ی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی کنونی و پیشین به ویژه برای شناسایی بیشتر و پیش‌برد زبان فارسی.

وجود چند تن عضو پیوسته‌ی مؤثر که گرایش به سرهنویسی و عربی‌زدایی داشتند فعالیت و آژانس‌سازی فرهنگستان را به جهتی افراطی سوق داد و باعث شد که مصوبات این سازمان قبول عام پیدا نکند و مقاومت‌هایی را نیز برانگیزد. نمونه‌های واژه‌های پیشنهادی گرایش این فرهنگستان را نشان می‌دهد:

برآمیخته abstract، مهراز architect، ترکیزه bacteria، ریسمان building، شادخانه cabaret، رخت‌دان، رختان commode، تنیزه corpuscule، تزن، تزند current، دُش‌دمید deformed، افراس، افراه doctrine، بندیزه ligament، گوشیار monitoring، پردیز park، باغراه parkway، پرگیر environment، زاوری service، خودزاوری self-service، بخشیزه subdivision، همیست، همیستاد system، آموختار teacher، نهشته، برنگاشت hypothesis

حضور عده‌ای از زبان‌شناسان و صاحب‌نظران در دستور زبان فارسی فرصتی برای مطالعات گویش‌شناسی (عمدتاً با هدف تهیه‌ی اطلس زبان‌شناسی) و به خصوص تصویب شیوه‌ی املا‌ی مدوئی که در مؤسسات آموزشی از آن پیروی شد ایجاد کرد و، در حقیقت، دستاورد فرهنگستان در این زمینه‌ها مهم‌ترین محصول فرهنگی آن به شمار می‌رود. در عین حال، فعالیت این فرهنگستان حساسیت بیشتری نسبت به لزوم تقویت بنیه‌ی زبان فارسی و گسترش آن پدید آورد.

وسیع‌ترین فعالیت این فرهنگستان در زمینه‌ی واژه‌گزینی بود. در گروه‌های واژه‌گزینی نزدیک به صد تن از استادان و کارشناسان رشته‌های گوناگون دانش و هنر و فن همکاری داشتند که تا سال ۱۳۵۱، ۶۶۵۰ واژه‌ی فارسی در برابر واژه‌های بیگانه پیشنهاد کردند. در

۶) از جمله‌ی اعضای پیوسته بودند: صادق کیا (رئیس)، محمد مقدم، حسین گل‌گلاب، محمود حسابی، جمال رضایی، یحیی ماهیار نوابی، مصطفی مقربی، رضازاده شفق، ذبیح بهروز.

شیوه‌ای که این فرهنگستان برای گزینش و ساختن واژه‌ها مقرر داشت طرق زیر به ترتیب اولویت در نظر گرفته شده بود: واژه‌یابی (۱) از نوشته‌های فارسی و زبان‌های دیگر که از فارسی واژه به عاریت گرفته‌اند؛ (۲) از فارسی‌های عامیانه‌ی محلی؛ (۳) از زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایرانی؛ (۴) از مایه‌های فارسی؛ (۵) از مایه‌های زبان‌های ایرانی دیگر. ضمناً توصیه شده بود که ویژگی‌های آوایی زبان فارسی حتی‌المقدور رعایت گردد تا به هم آهنگی آن آسیبی نرسد.

تدوین نام‌نامه (نام‌های خاص ایرانی) نیز جزو وظایف پژوهش‌گاه واژه‌های فارسی تعیین شد.

گردآوری واژه‌ها و اصطلاحات رشته‌ها و رشته‌های گوناگون نیز مطمح نظر قرار گرفت ولی اقدام در این زمینه از مرحله‌ی طرح فراتر نرفت.

فعالیت‌های پژوهش‌گاه واژه‌های فارسی نیز درخور توجه است. واژه‌نامه‌های بسامدی چندین متن کهن فارسی^۷، واژه‌نامه‌ی مترادف‌های فارسی، واژه‌نامه‌ی موضوعی فارسی، واژه‌نامه‌ی فارسی عامیانه‌ی تهران، واژه‌نامه‌ی فارسی عامیانه‌ی یزد، واژه‌های معرب‌صراح و منتهی‌الارب، رابطه‌ی فارسی و اردو، تأثیر زبان فارسی در زبان بنگالی، واژگان نوشتاری کودکان دبستانی از نتایج عمده‌ی این فعالیت‌هاست. واژه‌نامه‌ی زبان فارسی معیار (با تلفظ رسمی واژه‌ها) نیز در برنامه‌های این فرهنگستان منظور بوده است.

از واژه‌نامه‌های بسامدی فقط رساله‌ی جودیه و معیارالعقول ابن سینا چاپ شده و بقیه در جریان تولید و ویرایش مانده است.

در تهیه‌ی واژه‌نامه‌ی بسامدی داستان رستم و سهراب استفاده از رایانه به آزمایش درآمد.

بدین‌سان، این فرهنگستان، هر چند در زمینه‌ی واژه‌سازی و واژه‌گزینی، به دلیل اختیار روش افراطی و می‌توان گفت نامعقول با ناکامی روبه‌رو گشت، در زمینه‌ی پژوهش‌های زبانی و اجرایی برنامه‌های سودمندی را وجهه‌ی همت خود ساخت که جا دارد با استفاده از ثمرات و تجارب حاصله پی‌گیری شود.^۸ □

(۷) این متون عبارت‌اند از: رساله‌ی منطق از دانشنامه‌ی علایی؛ مقدمه‌ی شاهنامه‌ی ابومنصوری؛ حدود العالم من المشرق الی المغرب؛ سیرالعباد الی المعاد سنایی؛ نزهة القلوب حمدالله مستوفی؛ ترجمه‌ی مسالک و ممالک استخری؛ رسائل خواجه عبدالله انصاری؛ قابوسنامه؛ دیوان فرخی سیستانی؛ نوروزنامه؛ سعادت‌نامه‌ی ناصر خسرو قبادیانی؛ رگ‌شناسی ابن سینا؛ اشعار شهید بلخی؛ اشعار ابوشکور بلخی؛ قراضه‌ی طبیعات ابن سینا؛ رساله‌های فارسی سهروردی؛ بخشی از تفسیر کهن؛ مثنوی ورقه و گلشاه.

(۸) درباره‌ی فعالیت‌های این فرهنگستان مقاله‌ی جداگانه‌ای در شماره‌ی آتی منتشر خواهد شد.